

دکتر یمین خان لاهوری

رئیس بخش فارسی دانشکده دولتی لاهور

نخستین سخنور فارسی در لاهور

بسیاری از تذکرہ نویسان شعر پاکوہند از شعراى مقدماتین تا متناً آخرین را ذکر کرده اند ، اگرچہ ایشان سخنوران فارسی لاهور را ہم ضمناً در بیان آورده اند ولی کسی از ایشان نگفته کہ نخستین سخنور فارسی لاهور کہ بوده است؟ از جملہ تذکرہ ہائی کہ در آن ذکر سخنوران فارسی متقدمین لاهور آمدہ از این قرار است :

شمارہ	نام تذکرہ	مصنف	سال تصنیف کیفیت
۱ -	لباب الالباب	عوفی - محمد بن محمد ۶۱۸ھ	ذکر شعراى متقدمین
۲ -	تذکرۃ الشعرا دولت شاہ سمرقندی	۱۹۲ھ	ذکر شعرا از ابتدا تا معاصرین
۳ -	ہفت اقلیم امین احمد رازی	۱۰۰۲ھ	ایضاً

(۱) نگارپاکستان تذکرون کا تذکرۃ نمبر (مجلہ) مدیر نیاز فتح

پوری ، کراچی ۳۳ وان سال شم ۵ ، ۶ سالنامہ مئی جون ۱۹۶۳ ، ۴

ص ۳۳۸-۳۵۰

- ۴ - میخانه عبدالنبی ۱۰۲۸ هـ ایضاً
- ۵ - تذکره نصرآبادی طاهر نصرآبادی ۱۰۹۲ هـ تذکره
شمرای معاصرین
- ۶ - کلمات الشعراء محمد افضل سرخوش ۱۰۹۳ هـ از عصر
جهانگیر تا عالمگیر
- ۷ - مرآة الخیال شیرخان لودی ۱۱۰۲ هـ از ابتدای معاصرین
- ۸ - سفینه خوش گو بندر ابن خوش گو ۱۱۲۱ هـ از عصر جهانگیر
تا عالمگیر
- ۹ - ریاض الشعراء علی قلی واله داغستانی ۱۱۶۱ هـ از ابتدا تا
معاصرین
- ۱۰ - مخزن الفرایب علی محمدخان سندیلوی ۱۲۱۸ هـ ایضاً
- اگر ما تذکره‌ی عوفی « لباب الالباب » را که قدیم‌ترین و یکی از مستند
ترین تذکره‌ها بشمار میرود ، مطالعه کنیم ، می‌بینیم که عوفی احوال و آثار
سخنوران فارسی را بکمال صحت ، اقلیم وار و طبق ترتیب احوال و ادوار در
بیان آورده است .
- « ابو طاهر خاتونی » نیز تذکره‌ای بنام « مناقب الشعراء » در دوره
سلاجقه نوشته بود ولی متأسفانه این کتاب از بین رفته است ، لذا تذکره
« لباب الالباب » عوفی را باید قدیمترین و مستندترین تذکره شعر فارسی
محسوب داشت .
- عوفی ذکر ابوالفرج رونی و مسعود سعد سلمان لاهوری را در باب دهم به
عنوان « ذکر شمرای آل سلجوق » (غزنه و لاهور) آورده (۱) است و پیش از
اینها ذکر یک شاعر بزرگ از لاهور را بنام ابوسعید عبدالله بن روزبه بن عبدالله
الکننی لاهوری در باب نهم در سلسله شعرای آل سبکتگین نقل کرده است ،

۱- محمد بن محمد عوفی: لباب الالباب (باهتمام بر اون) لندن ۱۹۰۳ م

و بر دلیل اینکه عوفی ذکر این شعرا را طبق ترتیب اعصار و ادوار کرده است. می توان گفت که نکتنی لاهوری پیش از ابو الفرج رونی و مسعود سعد سلمان لاهوری می زیسته است ولی این دلیل کافی نیست باید از روی شواهد تاریخی ثابت کرد.

محمد عوفی (۱) در «لیاب الالباب» هیچ سن ولادت و وفات سخنور مزبور را ذکر نکرده است ولی چند قصیده از نکتنی لاهوری آورده است و عنوانش باین الفاظ آغاز میشود:

« در مدح مسعود شهید گوید »

و مطلع اش این است :

« روی آن ترک نه رویت و بر او نه بر است »

« که برین ناز بیار است و بر آن گل پیر است »

و در آخر قصیده میگوید که ...

« ملك عادل مسعود خداوند ملوك »

که بفضل از ملکان بیشتر و بیشتر است (۲)

همانطور که میدانیم دودمان غزنوی سه پادشاه بنام مسعود را دارد بدین

ترتیب:

مسعود اول : مسعود بن محمود غزنوی است و زمانش از سال

۳۲۲ هـ تا ۴۰۳ هـ

۳۳۲ هـ / ۴۰۳ م بطول می انجامد -

مسعود دوم : مسعود بن مودود بن مسعود (اول) بن محمود بن سبک

تکین غزنویست و مدت پادشاهی این پسر شش ساله فقط پنج ماه است یعنی

در سال ۳۳۰ هـ تا ۳۳۰ هـ / ۱۰۳۸ تا ۱۰۳۸ م -

مسعود سوم : مسعود بن ابراهیم بن مسعود (اول) بن محمود بن

سبکتکین است و مدت سلطنتش از سال ۳۹۲ هـ / ۱۰۹۹ م تا ۵۰۸ هـ / ۱۱۱۳ م

بوده است راجع به مسعود (سوم) بدایونی (۱) مینویسد که :

«علاءالدین مسعود بن ابراهیم بن سلطان مسعود غزنوی بعد از پدر
 قایم مقام شد و در سنه ثمان و خمسمائة (۵۰۸) رحلت کرد و مدت حکومت
 او شانزده سال بود » -

و فرشته (۲) دربارهٔ مسعود (دوم) رقم طرازا است که :

« باتفاق ارکان دولت مسعود (دوم) بن مودود را بعد
 از آنکه پنج شش روز پادشاهی کرده بود خلع نموده
 عمش ابوالحسن علی بن مسعود (اول) را بیایالت
 پرداخت » -

اماراجع به مسعود (اول) ابن محمود غزنوی اطلاعات مصدق در تاریخ
 « بیهقی » که قدیم ترین و مستند ترین کتابهای تاریخی آن عصر به شمار
 میرود ، یافت میشود و نویسنده آن تاریخ ابوالفضل بیهقی تمام احوال آن عصر
 مخصوصات آخرین واقعات همین مسعود (اول) ابن محمود غزنوی را که بچشم دیده
 با بگوش خود شنیده به قلم آورده است - مثلاً همین واقعه شهادت امیر مسعود
 (اول) ابن محمود غزنوی را باین الفاظ در بیان آورده است (۳) :

« روز پنجشنبه نیمهٔ شبان سنهٔ اثنین و ثلاثین و اربعمائة
 ۳۳۲ هـ نقارها کردند و شهر آخرین بستند و خللها
 زایل گشت - روز آدینه دیگر روز بمسجد جامع آمد

۱- بدایونی : ملا عبدالقادر بن ملوک شاه بدایونی (منتخب التواریخ)
 بتصحیح مولوی احمد علی کلکته کالج پریس ۱۸۶۸ م ج ۱ : ص ۳۹

۲ - فرشته محمد قاسم بن هندوشاه : تاریخ فرشته (ed . Beigg)
 بمبئی ۱۸۲۳ م ج ۱ ص ۸۰

۳ - بیهقی (ابوالفضل) : تاریخ مسعودی المعروف بیهقی (ed Nosulees)
 کلکته کالج پریس ۱۸۶۲ م ص ۸۶۷ -

بابسیار سوار و پیاده ساخته و کوبه بزرگ و بنام
امیر المؤمنین و سلطان مسعود (بن محمود غزنوی)
پس بنام وی خطبه کردند پس از ابوعبدی عجب این باید
شود آن روز که بنام امیر مسعود آنجا خطبه کردند پیش
ازین بمدتی وی را بقلعه کبیری یکشته بودند ، (۱)
و در آخر کلام بیهقی ، سلطان مسعود (اول) را بمنوان امیر شهید مسعود به
این صورت یاد کرده است :

« چنانکه پس از این در نقیب روزگار امیر شهید
مسعود رضی الله عنه و بنوبت امیر مودود (بن مسعود
بن محمود) رضی الله عنه ، بتمامی چنانکه بوده است بشرح باز نموده آید
انشاء الله ، (۲)

و مورخین ما بعد واقعه مزبور را به مصداق همین بیان بیهقی بقلم آورده اند -
مثلاً بدایونی این واقعه را باین الفاظ درج کرده است (۳) :

« بتاريخ جمادی الاول سنه ثمانین و ثلاثین و اربعمائة
(۳۳۲ هـ) از زبان امیر محمد (بن محمود غزنوی)
بدروغ پیغام بکوتوال کبیری رساندند که امیر
مسعود (شهاب الدوله سلطان مسعود بن محمود غزنوی)
را کشته سر او را نزد ما فرستد کسوتوال بموجب
پیغام سر او را جدا کرده نزد امیر محمد فرستاد ،
همین اسل است که عوفی طبق شواهد تاریخی مسعود (اول) را بمنوان امیر
شهید مسعود یاد کرده است مثلاً در احوال مسعود می نویسد (۴) :

۱ - بیهقی ، ابوالفضل . تاریخ مسعودی ، ایضاً ص ۸۶۷

۲ - ایضاً ص ۸۶۷

۳ - بدایونی : منتخب التواریخ (ایضاً) ج ۱ : ص ۲۹

۴ - عوفی : لباب الالیاب (ایضاً) ج ۲ : ص ۲۸

و بعد از (محمود غزنوی) امیر شهید ظهیرالدوله
و مجیر الملة ابو سعد مسعود بن محمود رحمه الله که
در عهد پدر و الی عراق بود ولی عهد ملک بتخت به
نشست و ده سال سلطان آن زمان بود - (۱)»

روشن گردید آن مسعود شهید که ممدوح نکئی لاهوری بوده است
همین مسعود (اول) بن محمود غزنویست و ابو الفرج رونی و
مسعود سعد سلمان لاهوری که در زمان مسعود (سوم) بن ابراهیم غزنوی زندگانی
می کردند، حتماً بعد از او بوجود آمده اند. بنابراین این نکئی لاهوری نخستین
سخنور فارسی در لاهور بشمار می رود.

ممکن است معترض سوال کند که پیش از عصر نکئی لاهوری شاعری
دیگر در لاهور شعر فارسی را گفته باشد باید از روی شواهد تاریخی درین
موضوع هم بحث کرده شود.

در سطور پیش بحواله تاریخ بهیچ تحقیق نمودیم که نخستین پایتخت
مسلمانان درین شبه قاره اولاً در لاهور در عصر همین سلطان امیر شهید مسعود
(اول) بن محمود غزنوی (۳۲۱ هـ تا ۳۳۲ هـ) یعنی در سال ۳۲۸ هـ استحکام
یافته بود ثانیاً زمان مسعود بن محمود غزنوی نخستین عصریست که در آن
اولین بار وجود و ورود زبان فارسی در لاهور رخ داد و هنوز اعیان سلطنت
و ارکان دولت غزنویان آهسته آهسته در لاهور سکنی میجستند و اگر چه زبان
فارسی همراه ایشان هم ورود میافت ولی تا آن مدت کاملاً ترویج نیافته بود
لذا پیش از آن عصر به هیچ وجهی ممکن نیست که کسی شعر فارسی در
لاهور سروده باشد و اگر تذکره سخنوران فارسی آن عصر مطالعه کرده شود
هیچ آثار شعر فارسی در لاهور پیش از عصر نکئی لاهوری بدست نخواهد آمد
لذا بدون تردید می توان گفت که نخستین سخنور فارسی در لاهور تنها نکئی
لاهوری است.

۱ - عوفی : لباب الالباب (ایضاً ج ۲ ، ص ۱۸

۲ - عوفی : لباب الالباب (براون) (ایضاً) ج ۲ : ص ۵

الف

نکتی لاهوری: عوفی ۱ ، نام وی را چنین نوشته است :

« ابو عبدالله روزبه بن عبدالله النکتی اللهوری »

یعنی کنیتش ابو عبدالله و نامش روزبه و نام پدرش عبدالله و تخلص او نکتی است و اصل و مولدش از خطه‌ی لاهور می‌باشد .

استاد مکرم مرحوم سعید نفیسی همین تذکره عوفی ، لباب‌الالباب را که بعد از تصحیح و باضافه‌ی حواشی و تعلیقات تدوین نمودند ، در تعلیقات خود راجع به تخلص نکتی باین الفاظ اشاره کرده‌اند (۲) :

« با آنکه درباره‌ی کلمه نکتی مولف جناس آورده ، تقریر نکت نکتی نوشته در برخی از سفینه‌ها تخلص وی را نکتی نوشته‌اند » .

ولی استاد مکرم مدرکی ارائه نداده‌اند ، لذا تنها به آن تخلص یعنی نکتی که عوفی نوشته و در تمام تذکره‌های دیگر همین‌طور آمده اکتفا می‌کنیم .

احوال و افکار این سخنور خیلی کم بدست ماست و عوفی بیش از قصیده‌ای و قطعه‌ای و بیتی دیگر از اشعار نکتی را درج نکرده است و با دو سطر او را معرفی کرده است (۳) :

« تقریر نکت نکتی کاری دراز است ، چه نکات لطیف او از حد و حد افزونست و نقود شعر او لطیف و موزون . در مدح سلطان مسعود شهید گوید ، بیان مزبور حاکی است که اشعار لطیف او بی شمار است و آن‌شاعر برجسته‌ی عصر خود بوده - ولی متأسفانه اشعار او بیش از آنکه عوفی نقل کرده است در هیچ تذکره‌ی دیگر یافت نمی‌شود .

۱ - عوفی : لباب‌الالباب (براون) (ایضاً) ج ۲ : ص ۵

۲ - سعید نفیسی (تعلیقات بر لباب‌الالباب) تهران کتابخانه‌حاج

علی اکبر علمی ۱۳۳۵ خ ص ۱۸ -

۳ - عوفی (براون) ایضاً ص ۵

ب - سبک و افکارش: آن ایاتی که بتوسل محمد عوفی بدست می-
آید برای تنقید سبک و افکارش کافی نیست البته میتوان گفت که سبکش
خراسانی است و افکارش را با الفاظ ساده و شیرین آورده و نکات لطیف را
در جامعه شعر دلپذیر آورده است بالآخر قصیده زیر را که در مدح مسعود شهید
گفته (۱) و با این ایات شروع می شود :

روی آن ترك نه رویست و بر او نه برست
که بر این نار پیادست و بر آن گل پیرست

بطرازی قسد و خرمن زلفین دراز
رستخیز همه خوبان طراز و خزرست

ور به جای مه و خورشید بود یار مرا

اندین معنی هم جای حدیث و نظرت

ما هکی سرو قد و سیم تن و لاله رخت

ماه کی نوش لب و نار برو جمدورست

مهر او را دل ماستقرست این نه عجب

آن شکفتست کجا مستقر او مقرست

و آن عجبتر که طلسمیست هوا را که همی

بفه سوزد ، اگر او را چو سفر مستقرست

و آن طلسمی که هوا زو بدل اندر میسوخست

دوستی خسرو شیر اوژن پیروز گزست

ملك عادل مسعود خداوند ملوك

که بفضل از ملکان بیشتر و پیشترست (۲)

اگر ما شعرش را بدقت مطالعه کنیم ، می بینیم که افکارش تماماً

۱ - عوفی : لباب الالباب (براون) ایضاً ج ۲ : ص ۵

۲ - عوفی : لباب الالباب (براون) ایضاً ج ۲ ص ۵ - ۵۸

ایرانی است و همه تراکیب الفاظ و تشبیهات و استعارات مثل سرو قد، سیم تن، ولاله رخ از افکار مودرتی است مخصوصاً تشبیه کردن به خسرو شیراوژن پیر خالصة از فرهنگ ایرانی و این همه صفات شعر از سبک خراسانی است.

علاوه بر این قطعه‌ای که بدرخواست شاهنشاه بن شاه نیشاپور بن ابراهیم درصفت منجنیق گفته هم نقل می‌کنیم (۱)

قطعه

چه چیزست آن که یکسو نردبانست
دگر سوادست همچون پای شیطان
سر زانو بسان قرضه تیسر
از آن آویخته خرطوم پیلان
دو پشک آهنین بینی مر او را
زده آن پشک را بر پای دیوان
بر آن خرطوم وی صد زلف بینی
همه بر تافته چون زلف جانان
چه عشاقش بر او انبوه کردند
بیندازد یکسی سندان محکم
شود هرکس ز بیم و هول لرزان
عیانست که اینجا ریسمان منجنیق را به زلف جانان تشبیه کردن هم از نکات لطیف مثل سبک شعر معاصرین ایرانی اوهم چون عنصری و عسجدی است.
از آثار نکئی لاهوری ایندو بیت بقوسل لباب الالباب عوفی هم بدست ما می‌رسد که خیلی جالب و دلپذیر است :

بزرگی بزرگی چون جام زرین
بزییر جام زرین چشمه چشمه
تو گوئی چشم معشوقست مخمور
ز ناز نیکوئی گشته کسرشمه (۲)

اینجا هم چشم مخمور را بترکس تشبیه کردن از افکار ایرانی است خلاصه نکتی لاهوری اگرچه اصلاً لاهوری بوده ولی افکار و فرهنگ ایرانی را مایه خویش ساخته بود و همین اصل است که سبک شعرش به سبک خراسانی شبیه ساخته است.

ج - نماینده شعر فارسی در عصر آل سبکتکین در لاهور
اگر ما سخنوران شعر فارسی در عصر آل سبکتکین را مطالعه کنیم می بینیم که معروف ترین شعرای آن زمان از این قرارند :
دعنصری و فردوسی و کسایی مروزی و قرخی سیستانی ، مسعودی فزنوی و منوچهری دامغانی .

و غیر از اینها دیگر شعرای فارسی در عصر آل سبکتکین که در هند و افغانستان و ایران میزیسته و عوفی ذکر ایشان را در بیان آورده است اسامی شان از این قرار است :

دزینتی ، لیبیی ادیبی ، ابو سراقه النجار و ابوالفضل مسرور ، ابو سعید احمد منشوری سمرقندی ، ابوالمظفر مکی ، عبدالله بلخی ، مسجدی مروزی ، بهرامی سرخسی ، عطار ، و النکتی الهوری ، و مختاری رازی و ابوالحرت هروی ، ابوالمنصور هروی و رابعه بنت کعب قزداری ، و مسعود رازی و مظفر پنجندی و کوکبی مروزی و هلیله ، ناصر ابواللیث طبری محسن قزوینی ، بدوی غزنوی و بهروز طبری - (۱)

اگر ما تمام اسامی شعرای مزبور را نگاه کنیم ، می بینیم که تنها یک شاعر یعنی نکتی ، از لاهور است و اگر کسی دیگر شاعری معروف در لاهور هم بود ، عوفی ذکرش را حتماً در تذکره اش می آورد .

تحقیق نمودیم که نکتی لاهوری در عصر امیر شهید مسعود (اول) بن محمود غزنوی یعنی بین حدود سال ۳۲۱ هـ تا ۳۳۲ هـ بدر بارش منسلک بوده لذا اسمهای معروفترین سخنوران هم عصر نکتی لاهوری را هم دوزیر می آوریم :
اول : عنصری - استاد ابوالقاسم حسن بن العنصری که بدر بار محمود

و امیر شهید مسعود منسلک بوده و بعد از رودکی استاد مطلق در قصیده و غزل بشمار می‌رود .

دوم : فرخی سیستانی که هم بدربار مسعود (اول) اختصاص یافت .

سوم : منوچهری دامغانی است که بدربار همین امیر مسعود غزنوی منسلک بوده و جناب دکتر صفا وفاتش را در حدود سال ۳۳۰ یا ۳۳۱ هجری قمری
نموده‌اند . (۱)

اگر ما سبک شعر فارسی در عصر آل سبکتگین را بدقت مطالعه کنیم روشن می‌شود چنانکه سخنوران معروف ایران آنزمان مثل عنصری و فرخی و منوچهری در چغنزار شعر ایران نغمه سرایی کردند ، بهمین طریق در برابر ایران نه تنها در لاهور بلکه در تمام شبه قاره پاك و هند تنها نکئی لاهوری است که نمایندگی شعر فارسی را داشته است .

لذا بدون تردید میتوان گفت کسه نماینده شعر فارسی در عصر آل سبکتگین تنها نکئی لاهوری است .

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱ - دکتر ذبیح‌الله صفا . تاریخ ادبیات ایران ، (تهران ، کتابفروشی

ابن سینا ، ۴۳۹ خ)